


Indicators of Social Capital from the Perspective of the Qur'an and Ḥadīth

Esmael Cheraghi Kotiani ¹

1. Assistant Professor, Department of Sociology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran
esmaeel.cheraghi@gmail.com

Abstract

Social capital constitutes one of the most significant assets of any society, contributing to its stability and vitality. Despite its importance in social life, this phenomenon has not been sufficiently institutionalized in contemporary society; this is evident in the rising rates of divorce and unstable marriages, the increasing prevalence of various crimes, widespread mistrust of others, and the dominance of individualistic culture. The necessity of social capital has led Islam, as a realist religion, to encourage members of the Muslim community to cultivate and strengthen this asset. In this article, an attempt has been made to address the most significant indicators of social capital from the perspective of the Qur'an. The method of data collection in this study is documentary and library-based, while their analysis is conducted through the *ijtihādī* method with a socio-exegetical approach. The findings indicate that the Qur'an and ḥadīth emphasize adherence to social trust, religious brotherhood, social cooperation, social solidarity, and social commitment as the most important indicators of social capital.

Keywords: Social Capital; Trust; Social Cooperation; Social Solidarity; Social Commitment

Research Article



Received: 2024-10-05 | Received in revised from: 2025-01-01 | Accepted: 2025-06-22 | Published online: 2025-08-18

Received: 2024-10-05 | Received in revised from: 2025-01-01 | Accepted: 2025-02-02 | Published online: 2025-06-22

◆ How to cite: Cheraghi Kotiani, Esmael(1404SH): Indicators of Social Capital from the Perspective of the Qur'an and Ḥadīth, *quran and social sciences*, 2(18), p122-153, 10.22034/arq.2025.481364.1390

شاخصه‌های سرمایه اجتماعی از منظر قرآن و روایات

اسماعیل چراغی کوتیانی^۱ ID

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران | esmaeel.cheraghi@gmail.com

چکیده

سرمایه اجتماعی یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های هر جامعه‌ای است که به پایایی و پویایی جامعه کمک می‌کند. علی‌رغم اهمیت این سرمایه در حیات اجتماعی، این پدیده در حدّ کافی در جامعه نهادینه نشده است؛ این امر از رشد آمار طلاق و ازدواج‌های کم‌دوام، میزان روزافزون انواع جنایت‌ها، بی‌اعتمادی به دیگران، سلطه فرهنگ فردگرایی و... به‌روشنی دریافت می‌شود. ضرورت وجود سرمایه اجتماعی سبب شده تا اسلام به‌مثابه دینی واقع‌گرا، احاد جامعه اسلامی را به تولید این سرمایه ترغیب کند. در این نوشتار تلاش شده است تا به مهم‌ترین شاخصه‌های سرمایه اجتماعی از منظر قرآن پرداخته شود. روش گردآوری داده در این پژوهش، اسنادی و کتابخانه‌ای و روش پردازش آن‌ها مبتنی بر روش اجتهادی با رویکرد تفسیری اجتماعی بوده است. یافته‌ها بیانگر آن است که قرآن و روایات پایبندی به اعتماد اجتماعی، اخوت دینی، تعاون اجتماعی، همبستگی اجتماعی و تعهد اجتماعی را به‌عنوان مهم‌ترین شاخصه‌های سرمایه اجتماعی مورد تأکید قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی، اعتماد، تعاون اجتماعی، همبستگی اجتماعی، تعهد اجتماعی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۴ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۴ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

◆ استناد به این مقاله: چراغی کوتیانی، اسماعیل (۱۴۰۴): «شاخصه‌های سرمایه اجتماعی از منظر قرآن و روایات»، *قرآن و علوم اجتماعی*، ۲(۱۸)، ۱۵۳-۱۲۲. [10.22034/arq.2025.481364.1390](https://doi.org/10.22034/arq.2025.481364.1390)

۱. مقدمه

ثروت و سرمایه هر جامعه‌ای را می‌توان بر چهار بخش تقسیم کرد: سرمایه مادی، سرمایه طبیعی، سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی. سرمایه مادی، به معنای دارایی مادی است که در خدمت کسب (مثلاً سود)، قرار می‌گیرد (راسخ، ۱۳۹۱، ۱: ۶۷۷). سرمایه طبیعی به منابع طبیعی و آنچه در محیط‌زیست برای پشتیبانی از حیات لازم است، گفته می‌شود (کشاورز و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۳۶). سرمایه فرهنگی به انواع گوناگون دانش و شناخت مشروع از جمله آموزشی، تربیتی و عقلانی و به‌طور کلی دارایی اجتماعی غیرمادی گفته می‌شود که کنشگر در اختیار دارد و در نظام مبادله‌ای خود جهت کسب قدرت و پایگاه اجتماعی به کار می‌برد (میرزایی، ۱۳۹۳: ۶۶۴). سرمایه انسانی به توانایی‌ها، استعدادها، قریحه‌ها، تخصص‌ها و قابلیت‌هایی دلالت دارد که افراد در فرایند تولید به کار می‌گیرند (همان: ۶۶۳). سرمایه اجتماعی نیز مفهومی است که به ارزش و جایگاه روابط و مناسبات اجتماعی و نیز نقش تعاملی، همکاری و اعتماد و مشارکت بین افراد و گروه‌ها برای کسب نتایج جمعی یا اقتصادی و انسجام اجتماعی اشاره دارد (همان: ۶۶۲). تفاوت بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی در این است سرمایه اجتماعی ناظر به کیفیت ارتباط بین اعضای جامعه و شبکه‌های اجتماعی است؛ درحالی‌که سرمایه فرهنگی به‌صورت ویژه بر شکل‌هایی از دانش، آموزش و مهارت‌ها متمرکز است. شامل مزیت‌های غیرمادی است که به دارنده آن اجازه می‌دهد که جایگاه و الاتری در جامعه را به دست آورد. سرمایه اجتماعی در کنار دیگر سرمایه‌ها، در مباحث مربوط به توسعه و پیشرفت در ساحت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، مورد توجه اندیشمندان اجتماعی قرار گرفته است.

سرمایه اجتماعی از دیرباز یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های زندگی بشر بوده است. در گذر تاریخ، در پرتوی سرمایه اجتماعی از یک‌سو، همبستگی و انسجام اجتماعی تحقق می‌یافت و از سوی دیگر در سایه گسترش این پدیده، جامعه می‌توانست به اهداف خود در عرصه‌های گوناگون زندگی، دست یابد. افزون بر این که سرمایه اجتماعی، روابط اجتماعی را آسان‌تر و لذت‌بخش‌تر کرده

و زمینه خوشبختی و سعادت این جهانی و آن جهانی را فراهم می‌آورد. نقش محوری سرمایه اجتماعی در بهره‌وری از دیگر سرمایه‌ها به میزانی است که می‌توان ادعا کرد در فقدان یا ضعف آن، قدرت اثربخشی دیگر سرمایه‌ها (فیزیکی، طبیعی و انسانی) از بین خواهد رفت؛ از این رو در دانش‌های گوناگون، از منظرهای مختلف به موضوع سرمایه اجتماعی و نقش آن در پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... پرداخته شده است.

با وجود اهمیت و جایگاه سرمایه اجتماعی در جامعه نوین، هنوز این پدیده در حدّ کافی در جامعه نهادینه نشده و عینیت نیافته است؛ زیرا آثار بی‌شماری مانند رشد آمار طلاق و ازدواج‌های کم‌دوام، میزان روزافزون انواع جنایت‌ها، از خودبیگانگی، بی‌اعتمادی به دیگران، چیرگی فرهنگ فردگرایی، کاهش میزان مشارکت و روابط اجتماعی وجود دارد که همگی وضعیت نهادینه بودن سرمایه اجتماعی را در جامعه به چالش می‌کشند. شواهد بسیاری بیانگر کاهش اعتماد اجتماعی در همه ابعاد و سوگیری عاطفی و خاص‌گرا در روابط کنشگران در تمام سطوح در جامعه ایران وجود دارد (چلبی، ۱۳۷۵: ۷۷).

اسلام به‌عنوان دینی جامع که برنامه‌های آن سازگار با همه نیازهای فردی و اجتماعی انسان، ساخت یافته است، موضوع سرمایه اجتماعی را در قالب‌های گوناگون، اخلاقی، حقوقی، فقهی و... مورد توجه قرار داده است. در این نوشتار تلاش می‌شود ضمن گذری بر رویکردهای جامعه‌شناختی به سرمایه اجتماعی، دیدگاه قرآن و روایات در خصوص شاخصه‌های سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد. این نوشتار در گردآوری داده‌ها و اطلاعات از روش اسنادی و منابع کتابخانه‌ای و در پردازش داده‌ها از روش اجتهادی بهره برده است. روش تفسیر اجتهادی به روشی گفته می‌شود که در آن تلاش می‌شود معانی آیات قرآن بر اساس شواهد و قراین و دلیل معتبر آشکار و بیان شود (بابایی، ۱۳۹۱، ۲: ۱۱) در این روش اعتماد بر تدبر و عقل را توأم با تقید به روایات تفسیری مورد استفاده قرار می‌دهد (عمید زنجانی، ۱۳۷۲: ۳۳۱). در روش اجتهادی استفاده از نیروی عقل در جمع‌بندی آیات (همراه با توجه به روایات، لغت ...) و استنباط از

آن‌ها برای روشن ساختن مفاهیم و مقاصد آیات به کار گرفته می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۱۹۱). در این نوشتار تلاش شد تا با تدبر و اندیشه ورزی بر آیات و روایاتی که گمان می‌شد بیانگر شاخصه‌های سرمایه اجتماعی هستند، به معانی آیات و تبیین شاخصه‌ها بر اساس آن‌ها دست‌یابیم.

۲. پیشینه پژوهش

اهمیت سرمایه اجتماعی و نقش آن در بهسازی و تسهیل روابط اجتماعی باعث شده تا این موضوع مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد؛ از این رو، در پژوهش‌هایی چند به این موضوع پرداخته شده است. برخی پژوهش‌های انجام شده عبارت‌اند از: افسری (۱۳۹۱) در مقاله «سرمایه اجتماعی در اسلام» بر این باور است که سرمایه اجتماعی اسلامی در بعد شناختی، بر اساس اصول وحدت و اخوت و بسیاری از فضایل اخلاقی و در بعد ساختاری بر اساس اصولی نظیر تعاون، مصابره و مرابطه، مشورت، تکافل اجتماعی و جنبه اجتماعی بسیاری از دستورات اسلام شکل می‌گیرد.

علینی، غفاری و زهیری (۱۳۹۳) در مقاله «مبانی دینی سرمایه اجتماعی و رابطه آن با حکمرانی خوب» به این مسئله پرداخته‌اند آموزه‌های دین اسلام در ابعاد اعتقادی، اخلاقی و مناسکی آن منجر به پیدایی و تقویت سرمایه اجتماعی در شکل درون‌گروهی در مرحله اول و برون‌گروهی در مرحله بعد می‌گردد. همچنین میان حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی پیوند وثیقی وجود دارد. این مقاله در پی بیان ویژگی‌ها و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به گونه‌ای است که امکان شکل‌گیری حکمرانی خوب را فراهم سازد.

نصراللهی، مکیان و اسلامی (۱۳۹۴) در مقاله «سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در اسلام» بر این باورند که آموزه‌های دینی به‌عنوان ارزش متعالی، سبب بسترسازی و تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود. معارف و مفاهیم دینی از یک سو به‌عنوان نظامی جامع، از طریق ابعاد متعدد خود، فعلیت و انباشت سرمایه اجتماعی را محقق می‌سازد. نتیجه پژوهش این است که در اسلام برای تقویت سرمایه

اجتماعی راهکارهای مناسبی وجود دارد که ضروری است سیاست گذاران امور جامعه، برای تقویت و گسترش آن‌ها تلاش زیادی نمایند.

حمیدی زاده، ظفری و بابایی گواری (۱۳۹۸) در مقاله «سرمایه اجتماعی از منظر قرآن؛ مؤلفه‌ها، عوامل، راهبردها» بر این باورند که مهرورزی، تنش‌زدایی، حمایت اجتماعی، انسجام اجتماعی، هنجارگرایی و ... مهم‌ترین عواملی هستند که با توجه به آموزه‌های قرآن می‌توانند باعث افزایش سرمایه اجتماعی شوند.

وزینی افضل و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «راهکارهای تقویت سرمایه اجتماعی از دیدگاه نظام ارزشی اسلام» با این فرض که آموزه‌های اسلام به‌عنوان ارزش متعالی، سبب بسترسازی و تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود؛ درصد ارائه راهکارهای تقویت سرمایه اجتماعی از دید نظام ارزشی اسلام برآمده‌اند.

پژوهش‌های پیش‌گفته برخی صرفاً به مبانی دینی و یا راهکارهای تقویت سرمایه اجتماعی از منظر اسلام پرداخته‌اند. دسته دیگر نیز که به مؤلفه‌ها پرداخته‌اند یا صرفاً با محوریت قرآن بوده یا به‌صورت گونه‌شناسی مؤلفه‌ها بدون تحلیل‌های کافی نگاشته شده است. برخی نیز با روشی متفاوت با روش این پژوهش به تحقیق پرداخته‌اند. در این نوشتار تلاش شده است تا نخست به چستی سرمایه اجتماعی از منظر جامعه‌شناسان و سپس به جایگاه و شاخصه‌های سرمایه اجتماعی در اسلام و بر پایه آیات و روایات و دیدگاه مفسران مسلمان پرداخته شود. افزون بر این که روش پژوهش در این نوشتار با دیگر نگاشته‌ها متفاوت است. در این نوشتار کوشیده‌ایم با کاربست روش اجتهادی و اتخاذ رویکردی جامعه‌شناختی به تحلیل این پدیده پردازیم.

۳. مبانی نظری

رویکردهای گوناگون علمی با تعبیرهای مختلفی از مفهوم سرمایه اجتماعی، تعریفی ارائه داده‌اند. در جامعه‌شناسی، سرمایه اجتماعی ویژگی‌هایی از یک جامعه یا گروه است که ظرفیت سازمان‌دهی جمعی و داوطلبانه برای حل مشکلات متقابل یا مسائل عمومی را افزایش می‌دهد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۵) در

این نگاه منظور از سرمایه اجتماعی، سرمایه و منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق برقراری تعاملات و مناسبات اجتماعی با یکدیگر به دست می‌آورند. از نظر پیر بوردیو^۱ و جیمز کلمن^۲ - دو نظریه‌پرداز سرمایه اجتماعی - سرمایه اجتماعی کالایی عمومی و نوعی دارایی جمعی است که در بلندمدت انباشته می‌شود. روبرت پتنام^۳ هم بر این نکته تأکید می‌کند که پیدایش سرمایه اجتماعی به بهبود کارایی از طریق سهولت در هماهنگی در عمل، افزایش ظرفیت‌های افراد و گروه‌ها برای دستیابی به اهداف نهایی منجر می‌شود (وزینی افضل و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۳). یکی از مهم‌ترین دلایل طرح موضوع سرمایه اجتماعی در حوزه جامعه‌شناسی در چند دهه اخیر، احساس خطر اندیشمندان از محدود شدن روابط نزدیک و صمیمی و خزیدن مردم در لاک فردگرایی افراطی بوده است (معیدفر و دربندی، ۱۳۸۵: ۲۳)؛ به‌رروی سرمایه اجتماعی با تأکید بر ارزش‌های جمعی، بر ظرفیت همگرایی در راستای حل مسائل اجتماعی تکیه می‌کند. سرمایه اجتماعی در یک چشم انداز کلی دارای دو بعد است:

۱. بعد عینی: این بخش بیانگر وجود چارچوب‌ها و ساختارهای شبکه‌ای عینی است که افراد را به یکدیگر پیوند می‌دهد. در حقیقت نشان‌دهنده این واقعیت است که افراد در فضای اجتماعی با یکدیگر در ارتباط بوده و به زوایایی اشاره می‌کند که قابل مشاهده و عینی است. این جنبه‌ها شامل حوزه‌ها و مدارس اسلامی، آموزش و پرورش، رسانه ملی، مساجد، دانشگاه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و محافل کاری است که اهداف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، آموزشی و پرورشی را پیگیری می‌کنند.

۲. بعد ذهنی: این بعد به پیوندهای میان افراد که دارای ویژگی خاصی چون دوجانبه، قابل اعتماد و مستلزم جهت‌گیری مثبت باشد، اشاره دارد. از این رو شامل مقوله‌هایی از قبیل اعتماد، مشارکت، همکاری و تعاون، هنجارها و ارزش‌های مشترک، عقاید، الگوهای کنشی و باورهای مشترک در جامعه است

1 Pierre Bourdieu.

2. James Coleman.

3. Robert D. Putnam.

که به افزایش کنش‌های متقابل میان افراد و جامعه منجر می‌شود و افراد را به اقدامات جمعی ترغیب می‌کند (زارعی متین و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۴-۳۳).

در یک تقسیم‌بندی دیگر، سرمایه اجتماعی را می‌توان در سه سطح خرد، میانی و کلان مورد مطالعه قرار داد. در سطح خرد، سرمایه اجتماعی ناظر بر روابط میان افراد و خانواده‌هاست. سطح میانی شامل پیوندها و روابط عمودی است و روابط حاکم میان سازمان‌ها و گروه‌ها و همین‌طور روابط میان اعضای آن‌ها را در برمی‌گیرد. سطح کلان (نهادی) فراگیرترین جنبه سرمایه اجتماعی است که شامل رسمی‌ترین روابط و ساختارهای نهادی می‌شود. این بخش از سرمایه اجتماعی به محیط اجتماعی و سیاسی می‌پردازد که به ساختارهای اجتماعی شکل می‌دهد. رژیم سیاسی، سلطه قانون، نظام قضایی و آزادی‌های سیاسی و مدنی، نهادهایی هستند که از طریق آن‌ها سرمایه اجتماعی کلان شکل می‌گیرد (حسینی و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۱-۶۳).

۴. سرمایه اجتماعی در اسلام

مفهوم سرمایه اجتماعی در ادبیات علمی جهان، مفهومی نوظهور بوده و صرفاً در دهه‌های اخیر است که این اصطلاح به‌عنوان مفهومی تبیین‌گر در ادبیات علمی وارد شده است. مفهوم «سرمایه اجتماعی» در قرآن و روایات دیده نمی‌شود باین‌همه محتوای آن - که به روابط، پیوندها و مناسبات اجتماعی میان انسان‌ها و عوامل همکاری متقابل و تحکیم بنیادهای اجتماعی می‌پردازد- در آموزه‌های اسلام، به‌روشنی قابل رصد است. مفاهیم قرآنی و روایی چون اعتصام، تعاون، اخوت، وفای به عهد، حسن ظن، سوظن و... اشاره به سرمایه اجتماعی دارند. تعالیم دین اسلام - به‌مثابه دینی اجتماعی - بر اساس همبستگی و پیوستگی بین افراد شکل گرفته است. در افق نگاه اسلام، این سرمایه ارزشمند نخست در محیط خانواده و در تعامل با اهل خانواده و خویشاوندان شکل می‌گیرد و بعد در گستره‌ای وسیع‌تر به روابط و مناسبات با اعضای جامعه و نیز دیگر انسان‌ها، کشیده می‌شود. در این نگاه همان‌گونه که بر اساس «وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ

بِهِ وَالْأَرْحَامِ» (نساء: ۱) صله رحم یک سرمایه اجتماعی است، تعاون و همکاری بین جامعه مؤمنان نیز بر اساس «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائده: ۲) سرمایه‌ای اجتماعی است. در راستای اهمیت سرمایه اجتماعی، اسلام بر وحدت و همبستگی جامعه اسلامی، فعالیت‌های اجتماعی مفید و در چهارچوب هنجارهای دینی و گسترش روابط سالم میان مسلمانان با هدف همگرایی نیروهای آن‌ها و... سفارش زیادی دارد.

دین از دو سو بر سرمایه اجتماعی اثرگذار است: نخست از منظری بیرونی با حضور در مراکز مذهبی و کنش‌های اجتماعی و تثبیت روابط اجتماعی و دوم؛ از منظری درونی از مسیر اهمیت دادن فرد مؤمن به آموزه‌های دین که می‌تواند حس اعتماد، پیوند، هویت مشترک، همبستگی اجتماعی و روحیه همکاری و تعاون اجتماعی را در افراد ایجاد کند. این عناصر از پدیدارها و پیامدهای سرمایه اجتماعی شمرده می‌شوند.

۵. شاخصه‌های سرمایه اجتماعی از دیدگاه آیات و روایات

منظور از شاخصه معیاری است که برای ارزیابی، ارزشیابی، سنجش و اندازه‌گیری متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بکار گرفته می‌شود (نائینی، ۱۳۹۳: ۱۴۱). سرمایه اجتماعی، مفهوم گسترده‌ای است که با شاخصه‌های گوناگونی قابل‌شناسایی است؛ زیرا سرمایه اجتماعی شامل هر آن «چیزی» یا آن «پدیده‌های» است که در روابط میان انسان‌ها نهفته است و سبب پدید آمدن «حسن نیت» میان آن‌ها می‌شود؛ همدلی آن‌ها را نسبت به یکدیگر برمی‌انگیزد؛ آن‌ها را پیرو جمع می‌کند و بدین‌سان زمینه معاشرت بیشتر و روابط پایدار میان آنان را فراهم می‌آورد (اجتهادی، ۱۳۸۶: ۴)؛ یعنی همه اموری که افزایش یا کاهش آن‌ها بر میزان حسن نیت، همدلی و معاشرت‌های اجتماعی میان انسان‌ها اثر می‌گذارد، به‌نوعی بخشی از شاخصه‌های سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین شاخصه‌های سرمایه اجتماعی از دیدگاه قرآن و روایات اشاره می‌گردد.

الف) اعتماد اجتماعی

یکی از مهم‌ترین و بلکه اصلی‌ترین شاخصه‌های سرمایه اجتماعی، اعتماد است (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۲). تحقق زندگی سالم، پرنشاط و پیش‌رونده، درگرو وجود اعتماد و اطمینان در بین اعضای جامعه است. مفهوم اعتماد را به گونه‌های مختلفی تعریف کرده‌اند. در یک تعریف، اعتماد عبارت است از واگذاری منابع به دیگران با این انتظار که آن‌ها به گونه‌ای عمل خواهند کرد که نتایج منفی به حداقل ممکن کاهش یافته و دستیابی به اهداف میسر گردد (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۱۰). این مفهوم به معنای حسن ظن و نیک گمانی نسبت به دیگران در تعاملات اجتماعی است. به طوری که هر دو طرف اعتماد از آورده مثبت آن بهره‌مند خواهند شد.

در جامعه‌شناسی از سطوح چندگانه اعتماد اجتماعی بحث می‌شود. در یک تقسیم‌بندی کلی اعتماد را می‌توان در چهار سطح بررسی کرد.

اعتماد بنیادین: ۱ در این گونه از اعتماد به نگرشی اشاره می‌شود که فرد نسبت به خود و هستی‌های پیرامون خود داشته و زمینه‌ساز تقویت این احساس می‌شود که افراد و امور زندگی قابل اعتماد و دارای ثبات و پیوستگی هستند (گیدنز، ۱۳۸۸: ۲۳). برخی روان‌شناسان چون اریکسون، معتقدند ریشه این نوع اعتماد در دوره نوزادی و نوع روابطی که پدر و مادر و افراد پیرامون با کودک برقرار کرده‌اند، ریشه دارد (جواهری، بالاخانی، ۱۳۸۵: ۴). ارتباط والدین با فرزند می‌تواند از طریق فرایند اجتماعی شدن، حس اعتماد یا بی‌اعتمادی به فرایندهای زندگی را به فرزند انتقال دهد.

اعتماد بین شخصی: ۲ به سنجی از اعتماد اطلاق می‌شود که در روابط رخ‌به‌رخ آشکار می‌شود. این نوع اعتماد با برطرف کردن موانع ارتباطی و کاستن از حالت دفاعی، بخش زیادی از مناسبات اجتماعی را تسهیل می‌کند (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۱۴). ظهور روشن اعتماد بین شخصی را می‌توان در روابط بین

گروه‌های نخستین از جمله اعضای خانواده و دوستان مشاهده کرد. **اعتماد تعمیم یافته:** این گونه از اعتماد بیشتر در جوامع پیچیده و مدرن قابل مشاهده است. با گسترش روابط اجتماعی، شکلی دیگر از اعتماد اجتماعی پدیدار می‌شود که از گستره محدود گروه‌های نخستین چون خانواده و گروه همالان فراتر رفته و به ساحت تعاملات اجتماعی وارد می‌شود. علت این امر از سویی ضعف اعتماد بین شخصی در جهان مدرن و از سوی دیگر گسترش روزافزون روابط اجتماعی با افرادی بیشتری است که مشخصه ویژه آنان ناشناختگی و گمنامی است.

برخی اندیشمندان بر این باورند که این نوع از اعتماد ممکن است معطوف به متغیرهای اجتماعی مختلفی چون جنسیت (اعتماد به زنان و نه مردان یا بالعکس)، سن (اعتماد به پیران و نه جوانان)، نژاد، قومیت، مذهب و... باشد (زتومکا، ۱۳۹۱: ۸۰-۸۱).

اعتماد به نظام (سیستم): در جوامع نوین، نوع جدیدی از ارتباط شکل می‌گیرد که یک طرف فرایند ارتباط را نه کنشگران شخصی که کنشگران غیرشخصی شکل می‌دهند؛ از این رو در این نوع جوامع، گونه‌ای از اعتماد شکل می‌گیرد که متوجه ساختارهای غیرشخصی است. در این مورد، دو نوع اعتماد مدنی و اعتماد نهادی مورد توجه قرار می‌گیرد. اعتماد نهادی به نهادهای رسمی دولتی و اعتماد مدنی به نظام‌های تخصصی مربوط است (جواهری، بالاخانی، ۱۳۸۵: ۵). اعتماد به نظام در واقع اعتماد به این امر است که ساختارهای غیرشخصی این امکان را برای شخص فراهم می‌آورند که او آینده موفقیت‌آمیزی را برای خود پیش‌بینی کند (عسکری مقدم، ۱۳۸۲: ۴۷). این بدان معناست که از نظر کنشگر اجتماعی، نظام آن قدر قابل اعتماد است که می‌توان در چارچوب ساختارهای آن به کنشگری پرداخت و به اهداف خود دست یافت. هیچ انسدادی ساختاری در رسیدن به اهداف مشروع وجود ندارد. در رویکرد روان‌شناختی با اعتماد، بر ویژگی‌های فردی، احساسات، عواطف و ارزش‌های فردی تأکید می‌شود. بر این اساس اعتماد با اندیشه‌های

همکاری، صداقت، وفاداری، صمیمیت، امید و دگر خواهی ارتباط نزدیکی دارد (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۱۳). در رویکرد جامعه‌شناختی اما اعتماد به مثابه ویژگی نظام اجتماعی صورت‌بندی می‌شود؛ یعنی به جای فرد بر ویژگی‌های جمعی تأکید دارد. در این سطح، به اعتماد بر ارزش‌ها، هنجارها و ساختارهای اجتماعی، تأکید می‌شود.

اعتماد اجتماعی دارای کارکردهایی است که در قالب تأمین نیازهای اجتماعی انسان به یکپارچگی و همگرایی جامعه کمک می‌کند. مهم‌ترین کارکردهای اعتماد را می‌توان ایجاد تراکم اخلاقی، درک و پذیرش دیگران، افزایش احساس امنیت، افزایش کنش و هویت جمعی و مصونیت از خطرات احتمالی برشمرد. در برابر، زوال اعتماد موجب افزایش خطرات و شکل‌گیری گرایش‌های تدافعی، بیگانگی و رقابت بیشتر در میان گروه‌ها و طبقات اجتماعی شده و جامعه را با خطر فروپاشی درونی مواجه می‌سازد (منصوری، ۱۴۰۲: ۳۹۵).

به جهت کارکردهای مثبت زیادی که اعتماد در مناسبات اجتماعی در بردارد، اسلام می‌خواهد که محیط و جو جامعه اسلامی بر اساس اعتماد متقابل و حسن ظن و بر اساس خوب‌گویی باشد نه بر اساس بی‌اعتمادی و بدگمانی (مطهری، ۱۳۹۰، ۲۶: ۴۱۹)؛ زیرا آنجا که اعتماد و اطمینان نیست زندگی گوارا نیست، دائماً نگرانی است، ترس، اضطراب و دلهره است در این وضعیت انسان همیشه باید مواظب باشد که از ناحیه همان دوستان خود خیانت نبیند (مطهری، ۱۳۸۹، ۲۳: ۷۶۶). این وضعیت به نوعی ناامنی روانی و ذهنی در ساحت تعاملات اجتماعی دامن زده و در روند مناسبات کنشگران اجتماعی، اخلال ایجاد می‌کند. جامعه‌ای که کنشگران آن نتوانند به یکدیگر اعتماد کنند، از کارکردهای مثبتی چون همگرایی، هم‌فکری و همراهی هم‌دیگر محروم خواهند شد.

راز نهی از رفتارهایی چون سو ظن به دیگران، تجسس در امور دیگران و غیبت از دیگر اعضای جامعه در قرآن «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا» (حجرات: ۱۲) ایجاد و نگهبانی اعتماد در مناسبات اجتماعی است؛ زیرا هدف انسان‌ها از تشکیل جامعه، داشتن یک

زندگی اجتماعی و دستیابی به جایگاهی شایسته‌ای بود که بر پایه آن دیگران با او ارتباط بگیرند. او از خیر دیگران بهره‌مند و دیگران از خیر او برخوردار شوند؛ و رفتارهایی چون غیبت عامل مؤثری است برای اینکه او را از این منزلت ساقط کند و این هویت را از او بگیرد تا آنجا که در اثر گسترش غیبت تمامی افراد جامعه از صلاحیت زندگی اجتماعی ساقط شوند و سامان جامعه به نابسامانی مبدل گردد و آن وقت دیگر افراد جامعه باهم انس نگرفته و از یکدیگر ایمن نبوده و به یکدیگر اعتماد نمی‌کنند، آن وقت است که دواء که همان تشکیل جامعه از روز نخست بود، به صورت دردی بی دواء درمی‌آید» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۸: ۴۸۵).

بنابراین، انسان هم در امور دنیا به دوستانی که مورد اعتماد باشند و در زندگی به وی کمک کنند احتیاج دارد و هم در امور اخروی به نصیحت، موعظه، پند و راهنمایی آن‌ها اعتماد داشته باشد. اگر انسان به هیچ کس اعتماد نکند، بیش از همه خودش ضرر می‌کند. چون به جهت بدبینی با هیچ کس نمی‌تواند رفاقت داشته باشد. وقتی با هیچ کس رفاقت نداشته باشد، از بسیاری از نعمت‌های دنیا محروم می‌شود؛ زیرا بخش زیادی از نعمت‌های دنیا - چه مادی و چه معنوی - در اثر رفاقت برای انسان پیدا می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ۲: ۶۷):

از این رو عقل حکم می‌کند برای جلب منافع و دفع ضررها در زندگی، گاهی باید به دیگران اعتماد کرد تا نیازها برطرف و کارها پیش برود. از این رو حضرت علی (ع) می‌فرماید: «لَا يَغْلِبَنَّ عَلَيْكَ سُوءُ الظَّنِّ فَإِنَّهُ لَا يَدَعُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ صَدِيقٍ صَفْحًا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۷۴: ۲۰۷)؛ سوء ظن و بدگمانی بر تو چیره نگردد که میان تو و هیچ رفیقی جای صلح و صفا باقی نمی‌گذارد. منظور این است که انسان نباید نسبت به همه مردم و نسبت به هر چیز بدبین و بدگمان شود که اگر بدبینی روحیه غالب انسان شود دیگر نمی‌تواند نسبت به کسی صفا، صمیمیت، خوش‌بینی و گذشت داشته باشد. چون نسبت به همه و در تمام کارهایش سوء ظن دارد، دیگر جایی برای گذشت و صمیمیت و دوستی باقی نمی‌ماند. به هر روی از منظر اسلام بی‌اعتمادی به اعضای جامعه به دلیل ظن

و گمان ناپسند نه تنها کنشی گناه آور بلکه در اساس به معنای محروم کردن اعضای جامعه از بسیاری از مزایای زندگی اجتماعی است که پیامد آن بیش از آن که به دیگران برگردد، دامن خود کنشگر بی اعتماد را خواهد گرفت.

ب) اخوت و برادری دینی

جوامع انسانی اغلب بر بنیان روابط قبیله‌ای، عشیره‌ای، خویشاوندی خونی و نسبی، قومیت و نژاد و از این دست امور، شکل می‌گیرند. باین‌همه اما گاه جامعه در افقی معناگرایانه تر بر شالوده اندیشه و مکتب به وجود می‌آید. یکی از این بنیان‌های کارآمد و انسجام بخش، اخوت و برادری دینی است. توجه به این عامل به‌عنوان سرمایه‌ای اجتماعی و عاملی تأثیرگذار در همبستگی اجتماعی، از نوآوری‌های اسلام است. به تعبیر برخی اندیشمندان، اخوت اسلامی به‌طور جدی مورد عنایت و اهتمام شارع مقدس و از مهم‌ترین مقاصد اسلام بوده و قرآن، سنت و تاریخ اسلام گواه آن است (مطهری، ۱۳۷۸، ۲۵:۲۵).

علامه طباطبایی در بررسی مفهوم اخوت بر این باورند که معنای اصلی اخوت به مشترک بودن دو نفر در انتسابشان به یک پدر است؛ اما بعدها در معنایش توسعه داده، در افراد مشترک در یک عقیده یا مشترک در صداقت و امثال آن نیز استعمال شده است. به‌طوری‌که گفته‌اند: بیشتر مورد استعمال اخوت، اشتراک در اعتقاد و امثال آن است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۹: ۳۶۵). از نظر قرآن کسانی که وحدت در عقیده، شیوه و روش داشته باشد، برادر بوده «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰) و امت اسلامی را شکل می‌دهند؛ زیرا همه آنان در حقیقت از یک مادر تغذیه کرده و ریشه واحدی دارند؛ از این رو در قرآن غیر از برادری اسلامی، از برادری اهل کفر و نفاق (حشر: ۱۱)، برادری اهل کتاب (احزاب: ۱۸)، برادری دوزخیان (اعراف: ۳۸)، برادری شیطان (اعراف: ۲۰۱ و ۲۰۲)، برادری بهشتیان (حجر: ۴۵ و ۴۷) و... نیز سخن گفته است.

بر اساس یافته‌های تاریخی هیچ عاملی مهم‌تر از دین نتوانسته است در میان اعضای جامعه نقش ایفا کند و دین هم هرچه به تعلقات و خواسته‌های بشری

آغشته نشده بهتر توانسته است به ایفای نقش پردازد؛ لذا در جزیره العرب، باوجود قراردادهای اجتماعی گوناگون، هیچ‌کدام اما قادر نبودند وحدت و همبستگی را نهادینه کنند بلکه کارآمدترین عاملی که توانست تفرقه را از بین برده و مشارکت افراد را برانگیزد راهبرد اخوت و برادری بود (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۲: ۴۳۳) این بدان معناست که قدرت انسجام بخشی دین حتی از همگرایی‌های مبتنی بر عشیره خواهی و قبیله گرایی به‌مثابه نیرومندترین عوامل انسجام بخش در جوامع سنتی، چیرگی برجسته‌ای داشته است.

اخوت دینی که توسط پیامبر اسلام (ص) به‌عنوان یک راهبرد در سپیده دم طلوع اسلام، پیشنهاد شد، در حقیقت تشکل یا نظام پیمان برادری با ابعاد متفاوت بود؛ زیرا این نظام از یک سو بر پایه فرد پی‌ریزی شده بود و هر فرد بدون در نظر گرفتن قبیله یا عشیره خود با فرد دیگری ارتباط می‌یافت؛ و از سوی دیگر، ارتباطی اجتماعی و روحی بود که بر اساس آن هر یک از مهاجرین، ارتباط و همبستگی عمیقی با مردم مدینه پیدا می‌کرد و از عزلت و تنهایی خود می‌کاست (العلی، ۱۳۸۱: ۷۶). این برادری تنها در مرحله تعارف و تشریفات ظاهری مثل احزاب و افراد همکار حزبی امروز نبود بلکه از مرحله برادری و برابری هم تجاوز کرد، به مرحله ایشار رسید، آیه «وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (حشر: ۹) در شأن آن‌ها نازل شد (مطهری، ۱۳۸۳، ۱۳: ۱۳۶).

به‌هرروی، مناسبات اجتماعی عرصه دادوستد اجتماعی است. این‌گونه تعاملات گاه با تضادها و تنش‌هایی روبرو می‌شود. تنش‌ها، زمینه‌ای مناسب برای واگرایی اجتماعی و درنهایت ایجاد مانع برای پایایی و پویایی اجتماعی است؛ اما برادری اسلامی به‌مثابه یک سرمایه اجتماعی تأثیرگذار، به برطرف کردن سو تفاهم‌ها و مشکلات کمک کرده و به همگرایی اجتماعی یاری می‌رساند. از نظر علامه طباطبایی، جمله «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰) قانونی را در بین مسلمانان مؤمن تشریح می‌کند و نسبتی را برقرار می‌سازد که قبلاً برقرار نبود و آن نسبت برادری است که آثاری شرعی و حقوقی قانونی نیز دارد. وی با اشاره به آثار اجتماعی اخوت بر این باورند که برادری و اخوت اثرات وضعی

دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۸: ۴۷۰-۴۷۲) و هر برادری نسبت به برادر دیگر خود احساس مسئولیت می‌کند، هیچ‌یک از برادران به دیگری آسیب نمی‌رسانند و وقتی این همبستگی پایه‌ومایه ایمانی پیدا کرد و افراد خدا پروری را معیار کنش قرار دادند به این اطمینان می‌رسند که تا وقتی خلاف تقوای الهی رفتار نکرده‌اند از برادرش به او آسیب نمی‌رسد و در نتیجه احساس امنیت می‌کند. این «احساس امنیت» یک سرمایه اجتماعی بزرگ است. سرمایه‌ای که گاه از خود «امنیت» اثربخش‌تر بوده و به گسترش تعاملات اجتماعی در ساحت‌های گوناگون زندگی اجتماعی و بهره‌مندی از مزایای آن‌ها کمک می‌کند.

ج) تعاون اجتماعی

تعاون و همکاری با دیگر اعضای جامعه در پیشبرد اهداف و برنامه، یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های سرمایه اجتماعی است؛ زیرا انسان با عقل خود درک می‌کند که به‌تنهایی قادر به تأمین نیازمندی‌های زندگی خویش نیست. هم در تأمین نیازهای مادی چون؛ لباس، مسکن و غذا و هم در تأمین نیازهای معنوی به همکاری دیگران نیاز دارد. تکامل معنوی و تأمین نیازمندی‌های مادی انسان درگرو زندگی اجتماعی است و اگر جامعه نباشد، علاوه بر تأمین نشدن نیازهای مادی فرد، تعلیم و تربیت و رشد معنوی و اخلاقی هم تحقق نمی‌یابد. بدین جهت، عقل به لزوم معاشرت با دیگران، پیوند دادن زندگی به زندگی دیگران و تعاون و همکاری با آنان در رفع مشکلات زندگی حکم می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ۳: ۳۱). درواقع آنچه سبب‌ساز تعاون و همکاری و تقسیم‌کار بین انسان‌ها می‌شود، نیازهای متقابل آن‌ها به همدیگر است. زمانی که افراد جامعه احساس کنند که به همدیگر نیاز دارند، پایه‌های ارتباط را بر صمیمیت با هم بنا گذاشته و به همدیگر یاری می‌رسانند؛ زیرا اعضای این جامعه با به‌کارگیری سرمایه اجتماعی همکاری و تعاون با یکدیگر و تأمین نیازمندی‌های مادی و معنوی خود به پایایی و پویایی کمک کرده و سعادت را برای جامعه خود فراهم می‌آورند. اهمیت این سرمایه اجتماعی به میزانی است که هر چه

زندگی بشر پیچیده‌تر و پیشرفته‌تر می‌شود، نه تنها از نیاز بشر به تعاون کاسته نمی‌شود بلکه روزبه‌روز انسان مدرن به تعاون و تقسیم کار محتاج‌تر می‌شود. به تعبیر برخی اندیشمندان درست است که انسان مدنی بالطبع است؛ ولی نیاز به تعاون و رابطه و ارتباطات با پیشرفت تمدن زیادتر می‌شود. امروز همکاری دسته‌جمعی بیش از هر زمانی لزوم دارد (مطهری، ۱۳۷۸، ۲۰۲: ۳)؛ از این رو هر چه جامعه انسانی مراحل مدرنیت را بیشتر پیماید و به ساخت ابزارهای پیشرفته برای آسان‌سازی حیات اجتماعی پردازد، هیچ‌گاه نمی‌تواند از ارتباط با انسان‌های دیگر، بی‌نیاز شود؛ زیرا با تنوع‌پذیری نیازها و تخصصی‌تر شدن فعالیت‌ها در جهان جدید، نیاز به تقسیم کار اجتماعی، بیش از گذشته نمود پیدا کرده و عاملی مهم در بقا و پیشرفت جوامع انسانی است.

رویکرد اسلام نیز به موضوع تعاون اجتماعی، رویکردی سرمایه‌انگارانه است. از این منظر یکی از اهداف بعثت پیامبران الهی، برقراری روابط حسنه میان افراد بشر، بر اساس عدالت و صلح و صفا و تعاون و احسان و عاطفه و خدمت به یکدیگر است (مطهری، ۱۳۷۸، ۱۸: ۱۵۲). از نگاه اسلام یکی از مسئولیت‌های اجتماعی آحاد امت اسلامی در برابر یکدیگر، تعاون و هم‌یاری در نیکی‌هاست. خداوند می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده: ۲) بر اساس این آیه این‌طور نیست که هرگونه کمک‌گیری از غیر و اعتماد به دیگری امری نکوهیده باشد بلکه خداوند انسان را موجودی نیازمند به غیر خلق کرده؛ یعنی جامعه انسان‌ها این‌طور است که هرکس به دیگری محتاج است و اینکه در آموزه اسلامی پیوسته امر به تعاون می‌کنند نمایانگر همین حقیقت است؛ زیرا کلمه «تعاون» از ماده «عون» است. اگر استعانت از غیر در هیچ حدی جایز نبود پروردگار سفارش به تعاون نمی‌کرد بلکه می‌رساند: شما به یکدیگر محتاج هستید و لذا بایستی یکدیگر را مدد و یاری کنید (مطهری، ۱۳۹۰، ۲۶: ۱۰۷-۱۰۸) این بدان معناست که در نگاه توحیدی، استعانت از دیگران اگر به ارشاد الهی و در امتداد استعانت از خداوند باشد، نه تنها امری ناپسند نیست بلکه امری نیکو است. فلسفه تجویز استعانت از غیر

خدا در انجام کارها و نیز تشویق کنشگران به یاری رساندن به دیگر اعضای جامعه، تقویت روح همگرایی اجتماعی و بهره‌وری جامعه اسلامی از برکات آن است

نکته مهم دیگری که در این آیه در خصوص کاربست درست این سرمایه اجتماعی بر آن تأکید می‌شود این است که خداوند به مردم توصیه می‌کند که بر اساس برّ و تقوا با یکدیگر همکاری کنند، نه بر اساس گناه و ظلم؛ بنابراین، هر نوع همکاری، دارای ارزش نیست بلکه تعاون و تعامل، هنگامی ارزشمند است که بر محور تقوا و ارزش‌های دینی باشد و اگر بر ضد برّ و تقوا یا نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت باشد، هیچ ارزشی ندارد نه ارزش مثبت و نه ارزش منفی (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ۳: ۱۰۴)؛ درواقع آیه بر این امر تأکید دارد که تعاون اجتماعی زمانی به معنای واقعی سرمایه اجتماعی پایدار است که در مسیر ارزش‌های الهی باشد. بر این اساس، همگرایی که در مسیر ارزش‌های الهی نباشد، هرچند ممکن است قدرت ایجاد همگرایی و همکاری در زمان و دوره مشخصی را داشته باشد؛ اما پایداری، پیوستگی و اثربخشی آن به میزان تعاون و همکاری بر محور دین‌داری و تقوا نیست.

بنابراین، باید روح تعاون و همکاری را در جامعه ایجاد کرد. امر به تعاون و همکاری، صرفاً امر به معاونت نیست، امر به ایجاد حس تعاون نیز هست. در این میان نقش نهادهای اجتماعی در ایجاد تعاون اجتماعی، نقشی مهم و چشمگیر است؛ زیرا ایجاد حس همکاری و رفاقت و تعاون نخست باید از خانه شروع شود، والدین باید مراقب جوانان و نوجوانان باشند که تنها رقیب یکدیگر نبوده بلکه باید برای ایجاد حس تعاون و احسان و پاداش نیک به کار نیک دادن از طرف یکدیگر تلاش کنند. باید به آن‌ها کارها و بازی‌هایی یاد دهند که در آن‌ها حس تعاون ایجاد شود و بفهمند که از کمک دادن به یکدیگر خیر می‌برند نه شر. بعد از خانه، مدرسه محل این کار است؛ یعنی وظیفه معلمین و مربیان است که حس تعاون و همکاری را در شاگردان ایجاد کنند و تنها آن‌ها را در جاده رقابت و شاگرد اول شدن و نمره بیشتر گرفتن

نیندازند. به هر حال کوشش برای ایجاد حس تعاون در افراد، از مسائل مهم تربیتی و اجتماعی است (مطهری، ۱۳۸۳، ۱۹۸: ۱۳-۱۹۹). از آنجاکه همین کودکان و نوجوانان امروز، کنشگران اجتماعی فردا در ساحت ایفای نقش‌های خانوادگی و اجتماعی هستند؛ این نوع آموزش‌ها به نوعی تولید سرمایه اجتماعی و آماده کردن نسل آینده برای ایفای نقش‌های اجتماعی و مسئولیت‌پذیری آن‌ها در برابر اعضای دیگر جامعه است.

د) همبستگی اجتماعی

جامعه انسانی، گروهی از افراد انسانی است که با نژادها، اقوام، سلاطین و علائق گوناگون اما با یگانگی در باورها و ارزش‌ها و سبک زندگی، در کنار هم زندگی می‌کنند. این یگانگی در اهداف و روش‌ها زندگی، گونه‌ای از انسجام و همبستگی اجتماعی را در بین آن‌ها ایجاد می‌کند که به مثابه سرمایه اجتماعی به پیشبرد اهداف و سهولت تعاملات اجتماعی آنان کمک می‌کند. به بیانی روشن‌تر، همبستگی اجتماعی منشأ روابط عاطفی، تعهد عام و اعتماد اجتماعی است (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۰۱). همبستگی اجتماعی احساس یگانگی در عین داشتن تفاوت‌های فردی، احساس متقابل و حس همکاری بالا در بین اعضای جامعه است (پهلوانی، ۱۴۰۲: ۱۱۷).

اهمیت سرمایه اجتماعی همبستگی، به میزانی است که از آن به عنوان یکی از علائم حیات یک جامعه یاد می‌شود (مطهری، ۱۳۷۸، ۲۵: ۴۲۶). در باور جامعه شناسان، هر نظام اجتماعی برای حیات و پویایی خود، باید دارای سازوکاری باشد که بتواند چهار کارکرد ضروری را انجام دهد: تطبیق نظام با محیط، دستیابی به هدف، یکپارچگی و سکون (نگه‌داشت الگو). منظور آن‌ها از کارکرد یکپارچگی، تنظیم روابط متقابل اجزای نظام است (ریتزر، ۱۳۸۰: ۱۳۱). این بدان معناست که همگرایی و پیوستگی با دیگر کنشگران اجتماعی، شرط حیات و پویایی جامعه است. از این منظر، واگرایی اعضای جامعه به معنای درخطر افتادن حیات جامعه و به نوعی آغازی بر مرگ جامعه است.

همبستگی اجتماعی به عنوان سرمایه‌ای اجتماعی، محصول و ناشی از عوامل بسیاری است. گاه یگانگی در نژاد، قوم، خون، ملیت، دشمن مشترک و... زمینه‌ساز همگرایی گروه‌های گوناگون اجتماعی است. با این همه قدرتمندترین عامل تأثیرگذار در همبستگی اجتماعی، دین و ایمان دینی است. دلیل برتری ایمان این است که برخلاف سایر محورها قوام ایمان به عقد قلبی و عقیده و عمل؛ یعنی، تمام ساحت‌های وجودی انسانی است. اسلام اساس همبستگی اجتماعی پیروان خود را ایمان مشترک آن‌ها قرار داده، میان آن‌ها پیوند ولایی و الهی برقرار کرده و از مفهوم «امت» برای معرفی آن‌ها استفاده کرده است: «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» (مؤمنون: ۵۲)؛ و در حقیقت، این امت شماست که امتی یگانه است و من پروردگار شمایم (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۳: ۱۵۹).

بنابراین، در صورت گسترش فرهنگ توحیدی در جامعه، توجه پیوسته به خدا و یافتن سعادت ابدی در پرستش او، عامل بسیار مهمی برای وحدت میان افراد آن جامعه به وجود می‌آید. البته این بدان معنا نیست که در جامعه همبسته هیچ اختلافی وجود ندارد بلکه در سایه این وحدت، اختلاف‌های فرعی‌ای می‌تواند وجود داشته باشد؛ ولی به شرط این که به آن هدف اصلی آسیب وارد نسازد. از این رو خداوند اختلافات طبیعی و تکوینی را به رسمیت شناخته است: «وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» (حجرات: ۱۳) و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قراردادیم تا یکدیگر را بشناسید. «بر اساس این آیه، وجود اختلافات تکوینی از سوی خدا بوده و خداوند این اختلافات را به وجود آورده است و اختلاف‌ها می‌تواند عاملی پیشران برای سعادت زندگی دنیا باشد؛ زیرا اسلام در تربیت انسان‌ها می‌کوشد به گونه‌ای آنان را پرورش دهد که با حفظ تمام اختلاف‌ها و تفاوت‌های فردی و گروهی، در یک جامعه بزرگ، بر اساس یک معیار متعالی، به نام دین، وحدت خود را حفظ کنند؛ بنابراین، نباید اجازه داد که ملی‌گرایی در جامعه، به حدی رشد کند که وحدت اسلامی را خدشه‌دار کند. هرچند که وحدت ملی و نژادی دارای اهمیت است، اما این امر مانع از آن نمی‌شود که تمام نژادها تحت یک حکومت و ملت واحد قرار گیرند. در چنین جامعه

همبسته‌ای افراد اجازه نمی‌دهند که اختلاف‌های دیگر، اعم از اختلاف‌های سلیقه‌ای، گروهی، نژادی و حتی مذهبی، مانع از حفظ وحدت اسلامی شود» (مصباح یزدی، ۱۳۹۸: ۱۳۰-۱۳۱). علت این همبستگی با محوریت ایمان این است که در سایه خداپرستی، الفتی میان مؤمنان به وجود می‌آید که دیگر اعضای جامعه را چون برادر خویش نگریده و تلاش می‌کنند که نیازهای آن‌ها را برآورده سازند. از این رو در قرآن از وضعیت همگرایانه امت اسلامی با عنوان نعمت یاد می‌شود (آل عمران: ۱۰۳). نعمت بودن در ادبیات قرآنی به معنای این است که آن پدیده، برای پایایی و پویایی جامعه ضرورت کارکردی دارد. از منظر قرآن، همبستگی اجتماعی، پدیده‌ای کارکردی است؛ بدین معنا که در سایه آن نیازهای اساسی جامعه - چه مادی و چه معنوی - تأمین می‌شود. برخی از مهم‌ترین کارکردهای همبستگی اجتماعی عبارت‌اند از: هدایت الهی (انعام: ۱۵۳، شوری: ۱۳)، پیروزی در عرصه گوناگون زندگی (انفال: ۴۵ و ۴۶، آل عمران: ۱۵۲)، نیل به تقوای الهی (انعام: ۱۵۳)، عزتمندی (انفال: ۴۶)، جلب محبت الهی (صف: ۴).

۵) تعهد اجتماعی

یکی از ارزش‌های مهم در حیات اجتماعی انسان، لزوم پایبندی به تعهد است؛ تعهد اجتماعی تمایل به میزان وفای به عهد، احساس مسئولیت و تکلیف در مقابل دیگران تعریف می‌شود (چلبی، ۱۳۸۱: ۱۴۶) هر جامعه‌ای با پیوندهای محکمی به هم پیوسته است که از فروپاشی و واگرایی افراد آن جامعه جلوگیری می‌کند. به گونه‌ای که فقدان این گونه پیوندها، پایه‌های جهان اجتماعی را سست کرده و از هم‌پاشیدگی، سرنوشت محتوم آن خواهد بود. در این میان پیمان‌ها و عهدهای اجتماعی که میان افراد جامعه بسته می‌شود، زمینه‌ساز استواری، استحکام و همگرایی بیشتر برای افراد جامعه می‌شود؛ زیرا وجود پیمان‌ها و تعهدات اجتماعی به معنای، درک ضرورت همکاری و همگرایی از سوی افراد آن جامعه است. بدین جهت واگرایی و گسست‌های اجتماعی زمانی

اتفاق می‌افتند که افراد جامعه با یکدیگر پیمان و عهدی را نبندند و گرایش به همکاری برای تأمین نیازها و خواسته‌ها کاهش یابد.

اهمیت و ضرورت وجود تعهدات اجتماعی، زمانی به‌خوبی درک می‌شود که بدانیم بخش عمده‌ای از نظریه سرمایه اجتماعی مبتنی بر بحث اعتماد است. این بدان معناست که تحقق زندگی سالم اجتماعی درگرو اعتماد و اطمینان افراد جامعه به یکدیگر در تعاملات اجتماعی است. از سویی ریشه پیدایش اعتماد - به‌مثابه مهم‌ترین شاخصه سرمایه اجتماعی - وجود تعهدات و پیمان‌های اجتماعی است. زندگی اجتماعی بشر بر اساس محترم شمردن پیمان‌های اجتماعی، پایداری و پویایی خود را حفظ می‌کند. ازاین‌رو، اصلی‌ترین و عام‌ترین ارزش در زندگی اجتماعی، پایبندی انسان به قراردادهایی است که می‌پذیرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۵۲۴: ۱).

در آموزه‌های اسلام بر این سرمایه اجتماعی ارزشمند، تأکید شده است. در قرآن آیاتی که به موضوع تعهد اجتماعی پرداخته‌اند سه دسته‌اند: در دسته نخست، با تعبیرهای گوناگون به مسلمانان سفارش می‌کنند که به تعهدات خود در برابر دیگران پایبند باشند و در دسته دوم، افراد پایبند به عهد را می‌ستایند و از این طریق لزوم و رجحان پایبندی به عهد را به انسان‌ها یادآوری می‌کنند و در دسته سوم، افراد عهدشکن و بی‌توجه به پیمان‌های اجتماعی را نکوهش می‌کند:

قرآن در یکجا، کارهای نیک را برمی‌شمارد و افراد نیکوکار را به خاطر کارهای نیکشان ستایش کرده، می‌فرماید: «وَالْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا» (بقره: ۱۷۷) در این آیه، به وفای به عهد، به‌عنوان یکی از کارهای نیک اشاره می‌کند که پایبندی به آن، ستایش برانگیز است و باید موردتوجه باشد. در آیه دیگری خداوند با صراحت فرمان وفای به عهد می‌دهد و انسان را در برابر تعهدات خود مسئول دانسته، می‌فرماید: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسرا: ۳۴)؛ در برابر عهد (خود با دیگران) پایبند باش که مورد سؤال و بازخواست قرار می‌گیرد.

قرآن در دو آیه نیز در مقام معرفی مؤمن و بیان صفات لازم و برجسته او می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مؤمنون: ۸)؛ (مؤمنان) آن کسانی هستند که امانت‌ها و عهد خود را رعایت کنند (و به آن‌ها پایبند باشند).

در این آیه علاوه بر عهد بر امانت هم تأکید شده است؛ زیرا امانت هم در واقع، مصداقی از مصادیق عهد است و شخص امانت‌دار با قبول امانت از شخص دیگر، در برابر او متعهد شده و با او قرارداد بسته است که تا هنگام مطالبه امانت، آن را نگهداری و از آن مراقبت کند؛ بنابراین قبول امانت به منزله عهد طرفینی است و ادای امانت، به منزله وفای به عهد و خیانت در امانت، به منزله نقض عهد خواهد بود.

برای دسته سوم نیز قرآن، در مذمت بنی اسرائیل می‌فرماید: «أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (بقره: ۱۰۰)؛ چرا هنگامی که عهدی می‌بندند گروهی از عهد کنندگان پیمان شکنی می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ۳: ۱۸۵-۱۸۶).

فلسفه این همه تأکید بر حفظ تعهدهای اجتماعی از منظر اسلام، این است که تعهدپذیری و حفظ آن سرمایه‌ای اجتماعی است؛ زیرا قوام تمام منافع و مصالحی که بر زندگی اجتماعی مترتب می‌گردد، به وفای عهد است. اگر انسان‌ها به تعهدهای خود عمل نکنند، پایه زندگی اجتماعی را متزلزل کرده، در آینده پیامدهای ناپسند آن دامن گیر خود آن‌ها خواهد شد و بدین ترتیب، همه آن منافع و مصالح از دست خواهد رفت و زندگی اجتماعی نابود خواهد شد. چنین معارفی از عام‌ترین ارزش‌ها محسوب می‌شود که شرط درک آن‌ها و متعهد بودن بدان‌ها، دین‌داری، مسلمانی، تقوا، سن و نظایر این‌ها نیست بلکه هر انسان عاقلی فقط با بهره‌گیری از عقل می‌تواند آن‌ها را بفهمد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۱: ۵۲۳-۵۲۵)؛ این بدان معناست که اسلام به مثابه مکتبی واقع‌نگر و عقلانی، عمل به تعهد اجتماعی را نه به مثابه یک کنش اخلاقی و تعبدی بلکه در جایگاه یک امر عقلانی مورد تأکید قرار می‌دهد؛ زیرا عقل خود بنیاد انسانی نیز با تصور کارکردهای مثبت عمل به تعهد اجتماعی، به ضرورت عمل

بر اساس مقتضای آن، حکم خواهد کرد. افزون بر این که انسان‌های مؤمن در جایگاه انسان عاقل، ضرورت آن را پیش از دیگران درک می‌کنند. افزون بر این که وقتی این ویژگی معنوی در کنش مؤمنان ظهور یابد، آنان را محبوب خدا و خلق او می‌نماید؛ زیرا دیگر کنشگران از سوی چنین افرادی احساس خطر نکرده بلکه آرامش خاطر و خیال را از سوی آنان دریافت می‌کنند؛ و این چنین ادای امانت زمینه ارتباطی سازنده و مؤثر با یکدیگر را فراهم می‌آورد (کوهستانی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۱).

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های هر جامعه، سرمایه اجتماعی آن است. منظور از سرمایه اجتماعی منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق برقراری تعاملات و مناسبات اجتماعی با یکدیگر به دست می‌آورند. عمده‌ترین کارکرد این سرمایه ارزشمند، لذت‌بخش‌تر کردن و تسهیل روابط اجتماعی، کمک به دستیابی به اهداف و افزایش قدرت اثربخشی دیگر سرمایه‌هاست. در راستای اهمیت سرمایه اجتماعی، قرآن و روایات بر وحدت و همبستگی جامعه اسلامی، فعالیت‌های اجتماعی مفید و در چهارچوب هنجارهای دینی و گسترش روابط سالم میان مسلمانان با هدف همگرایی نیروهای آنها و... سفارش زیادی کرده است. عمده‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از منظر قرآن و روایات، اعتماد و به یکدیگر، همبستگی اجتماعی، اخوت دینی، تعاون اجتماعی و احترام به پیمان‌های اجتماعی است.

با توجه به کارکردهای مثبت سرمایه اجتماعی از منظر آیات و روایات، برای پایایی و پویایی جامعه، افزایش سطح سرمایه اجتماعی بر پایه آموزه‌های قرآنی برای جامعه امری ضروری است. راهکار ایجاد و ارتقا سرمایه اجتماعی، گسترش و تقویت ارزش‌های دینی است. ارزش‌هایی چون اعتماد و خوش‌بینی اعضای جامعه ایمانی نسبت به همدیگر، اخوت و برادری دینی، تعاون و همکاری، همبستگی اجتماعی بین آحاد جامعه اسلامی و تعهدپذیری افراد در جامعه

ایمانی است؛ از این رو هم آحاد جامعه اسلامی و هم حاکمیت، هرکدام نسبت به فرصت‌ها، توانمندی‌ها و سطوح تأثیرگذاری، لازم است به ارتقا سطح این سرمایه سترگ همت گمارند. در این میان حاکمیت به دلیل قدرت و اقتدار بیشتر و در اختیار داشتن ابزارهای فرهنگ‌ساز، وظیفه‌ای مضاعف دارد. تلاش حاکمیت در دو سوی باید با جدیت دنبال شود: نخست در گسترش فرهنگ اعتماد، اخوت، تعاون، عمل به تعهد و همبستگی اجتماعی بین آحاد جامعه و در مرحله بعد افزایش سرمایه اجتماعی حاکمیت در اذهان اعضای جامعه. اعتمادهای دوسویه مردم با مردم و مردم با حاکمیت، از بزرگ‌ترین شاخصه‌های سرمایه اجتماعی پیشران جامعه است.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

- اجتهادی، مصطفی. (۱۳۸۶). «سرمایه اجتماعی». پژوهشنامه علوم انسانی. ش ۵۳. صص ۱۲-۱.
- افسری، علی. (۱۳۹۱). «سرمایه اجتماعی در اسلام». پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم. دوره ۳. ش ۱. صص ۱۰۱-۱۱۸.
- امیرکافی، مهدی. (۱۳۸۰). «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن». نمایه پژوهش. ش ۱۸. صص ۹-۴۲.
- بابایی، علی‌اکبر. (۱۳۹۱). بررسی مکاتب و روش‌های تفسیری ۲. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پهلوانی، مرتضی. (۱۴۰۲). واکاوی نقش و خصوصیات رفتاری مدیران دینی در تعالی بخشی اخلاق کاربردی اجتماعی از دیدگاه قرآن و حدیث. قرآن و علوم اجتماعی. ۳(۲). صص ۱۱۰-۱۳۸. Doi: ۲۰۲۳/۱۸۱۹۳۷.arq/۱۰/۲۲۰۳۴
- تاج‌بخش، کیان. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: شیرازه.
- جمعی از پژوهشگران. (۱۳۹۲). حیات، حکمت و حکومت پیامبر اعظم. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- جواهری، فاطمه؛ بالاخانی، قادر. (۱۳۸۵). «رسانه جمعی و اعتماد، بررسی تأثیر رسانه‌های جمعی بر اعتماد اجتماعی، مطالعه موردی شهروندان تهرانی». مجله علوم اجتماعی. ش ۱. صص ۱-۲۹.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: نی.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۱). بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- حسینی، سید امیرحسین، زهرا (میلا) علمی؛ شارع پور، محمود. (۱۳۸۶). «رتبه بندی سرمایه اجتماعی در مراکز استان‌های کشور». رفاه اجتماعی. ش ۲۶. صص ۵۹-۸۴.
- راسخ، کرامت‌الله. (۱۳۹۱). فرهنگ جامع جامعه‌شناسی و علوم انسانی. ج ۱. جهرم: دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم.
- رجبی، محمود. (۱۳۹۰). روش تفسیر قرآن. چاپ پنجم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۲). درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن. قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
- ریترز، جورج. (۱۳۸۰). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- زارعی متین، حسن؛ مدرسی، سعید؛ محمدیان، بهزاد. (۱۳۹۵). مدیریت سرمایه اجتماعی. تهران: مهربان.
- زتومکا، پیوتر. (۱۳۹۱). اعتماد: نظریه جامعه‌شناختی. ترجمه غلامرضا غفاری. تهران: شیرازه.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۰). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عسکری مقدم، رضا. (۱۳۸۲). بررسی وضعیت اعتماد اجتماعی در کتاب‌های درسی دبستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.

- العلی، صالح احمد. (۱۳۸۱). *دولت رسول خدا (ص)*. ترجمه هادی انصاری. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- علینی، محمد، غفاری، غلامرضا؛ زهیری، علیرضا. (۱۳۹۳). «مبانی دینی سرمایه اجتماعی و رابطه آن با حکمرانی خوب». *علوم سیاسی*. سال ۱۷. ش ۶۷. صص ۱۳۳-۱۶۶.
- عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۷۲). *مبانی و روش‌های تفسیر قرآن*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کشاوری، علی‌رضا؛ فرج زاده، زکریا؛ طرازکار، محمدحسن. (۱۴۰۰). «شاخص‌هایی برای سرمایه طبیعی: روند تغییرات و پیش‌بینی». *تحقیقات اقتصاد کشاورزی*. ش ۱. صص ۲۳۵-۲۶۰.
- کوهستانی، ام‌البنین؛ رضوی دوست، غلامرضا؛ موسوی، سید محمد حسین؛ زارعی، محمد. (۱۴۰۱). مهارت‌های ارتباطی انسان با هم‌نوعان در سبک زندگی توحیدی از منظر امام حسن عسکری (علیه السلام). *قرآن و علوم اجتماعی*. ۲(۴). صص ۹-۳۶. Doi: 10.22064/1107.arq/350729/2023
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۸). *بیامدهای مدرنیت*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق). *بحارالانوار*. ج ۷۴. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۷). *بند جاوید*. ج ۲. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۸). *انسان‌سازی در قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱). *پرسش‌ها و پاسخ‌ها*. ج ۳. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱). *رسانترین دادخواهی و روشنگری (شرح خطبه فدکیه)*. ج ۱. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۴). *اخلاق در قرآن*. ج ۳. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۸). *انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). *مجموعه آثار*. ج ۱۸. (سیری در سیره ائمه اطهار(ع)). تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). *مجموعه آثار*. ج ۲۵. (جلد دوم از بخش اجتماعی سیاسی) تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۳). *یادداشت‌های استاد مطهری*. ج ۱۳. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). *مجموعه آثار*. ج ۲۳. (جلد دوم از بخش اخلاق و عرفان) تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). *یادداشت‌های استاد مطهری*. ج ۳. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۰). *مجموعه آثار*. آشنایی با قرآن. ج ۲۶. تهران: صدرا.
- معدفر، سعید؛ دربندی، علیرضا. (۱۳۸۵). «بررسی رفتار و نگرش جمع گرایانه شهروندان تهرانی». *مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران*. دوره هفتم. شماره ۳. صص ۳۴-۵۸.
- منصوری، خلیل. (۱۴۰۲). *فلسفه و فقه اجتماعی در قرآن*. قم: نورالامین.
- میرزایی، خلیل. (۱۳۹۳). *فرهنگ توصیفی علوم اجتماعی*. تهران: فوژان.
- نائینی، سید محمدکاظم. (۱۳۹۳). «شاخص‌ها». *نشریه نظریه‌های اقتصاد مالی*. ش ۴. صص ۱۷۷-۲۰۵.
- نوابخش مهرداد؛ فدوی، جمیله. (۱۳۸۷). «بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه شهری». ۲۰۵.

پژوهش‌نامه علوم اجتماعی. دوره ۲. ش ۱. صص ۲۵-۴۷.
وزینی افضل، مجتبی، گائینی، بوالفضل؛ عبدالحی، محمدعلی. (۱۳۹۹). «راهکارهای تقویت سرمایه اجتماعی از دیدگاه نظام ارزشی اسلام». نشریه علمی مدیریت اسلامی. سال ۲۸. شماره ۳. صص ۱۴۱-۱۷۰.

References

Holy Qur'an

- A Group of Researchers. (2013). *Ḥayāt, Ḥikmat va Ḥukūmat-i Payāmbār-i A'zam*. Qom: Research Institute for Islamic Sciences and Culture.
- Afsarī, 'Alī. (2012). "Sarmāyeh-i Ijtimā'ī dar Islām." *Miyān-reshteh'ī-i Qur'ān-i Karīm Journal*, vol. 3, no. 1, pp. 101–118.
- al-'Alī, Šāliḥ Aḥmad. (2002). *Dawlat-i Rasūl Khudā (s)*. Trans. Hādī Anšārī. Qom: Ḥawzah and University Research Institute.
- 'Alīnī, Muḥammad; Ghafārī, Ghulām-Reza; Zuhayrī, 'Alī-Reza. (2014). "Mabānī-i Dīnī-i Sarmāyeh-i Ijtimā'ī va Rābiṭeh-i ān bā Ḥukūmranī-i Khūb." *Journal of 'Ulūm-i Sīyāsī*, vol. 17, no. 67, pp. 133–166.
- 'Amīd Zanjānī, 'Abbās-'Alī. (1993). *Mabānī va Ravesh-hā-i Tafsīr-i Qur'ān*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Amīrkāfī, Mahdī. (2001). "I'timād-i Ijtimā'ī va 'Awāmīl-i Mu'aththir bar Ān." *Namāyeh-i Pazhūhesh Journal*, no. 18, pp. 9–42.
- 'Askarī Muqaddam, Reza. (2003). *Barresī-i Waz'īyyat-i I'timād-i Ijtimā'ī dar Kitābhā-i Darsī-i Dabīstān*. M.A. thesis, Shahid Beheshti University.
- Bābā'ī, 'Alī-Akbar. (2012). *Barresī-i Makātīb va Raveshhā-i Tafsīrī*, vol. 2. Qom: Ḥawzah and University Research Institute.
- Chelabī, Mas'ūd. (1996). *Jāmi'eh-shināsī-i Nazm, Tashrīḥ va Taḥlīl-i Nazārī-i Nazm-i Ijtimā'ī*. Tehran: Ney Publications.
- Chelabī, Mas'ūd. (2002). *Barresī-i Tajrībī-i Nizām-i Shakhshīyyat dar Īrān*. Tehran: Research Institute for Culture, Arts and Communications.
- Giddens, Anthony. (2009). *Payāmadhā-i Modarnīyyat*. Trans: Moḥsen Thilāthī. Tehrān: Nashr-i Markaz.
- Ḥusaynī, Sayyid Amīr-Ḥusayn, Zahrā (Mīlā) 'Ilmī, Shāri'pūr, Maḥmūd. (2007). "Rutbeh-bandī-i Sarmāyeh-i Ijtimā'ī dar Marākiz-i Ustān-hā-i Kishvar." *Journal of Rifāh-i Ijtimā'ī*, no. 26, pp. 59–84.
- Ijtihādī, Muṣṭafā. (2007). "Sarmāyeh-i Ijtimā'ī." *'Ulūm-i Insānī Journal*, no. 53, pp. 1–12.
- Javāhirī, Fāṭimeh; Bāla-Khānī, Qādir. (2006). "Risāneh-i Jam'ī va I'timād, Barresī-i Tāthīr-i Risānehā-i Jam'ī bar I'timād-i Ijtimā'ī, Muṭāla'ah-yi Mūrdī-i Shahrvandān-i Tehrānī." *Journal of 'Ulūm-i Ijtimā'ī*, no. 1, pp. 1–29.
- Keshāvarz, 'Alī-Reza; Farajzadeh, Zakariya; Tarāzkār, Muḥammad-Ḥasan. (2021). "Shākhishā'ī barā-ye sarmāye-e ṭabī'ī: Ravand-e taghyīrāt va pīsh-bīnī." *Taḥqīqāt-e Iqtisād-e Keshāvarzī*. No. 1, 235–260.
- Kuḥīstānī, Umm al-Banīn; Rezavī-Dūst, Ghulām-Reza; Mūsavī, Seyyed Muḥammad-Ḥusayn; Zāra'ī, Muḥammad. (2022). *Mahārat-hā-ye irṭibāfī-i Insān bā hamnū'ān dar sabk-i zindigī-i Tawḥīdī az manzar-i Imām Ḥasan 'Askarī ('alayh al-salām). Qur'ān va 'Ulūm-i Ijtimā'ī*. 2(4). 9–36. DOI: 1022064/arq.2023.350729.1107
- Majlisī, Muḥammad-Bāqir. (1982). *Biḥār al-Anwār*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Manšūrī, Khalīl. (2023). *Falsafeh va Fiqh-e Ijtimā'ī dar Qur'ān*. Qom: Nūr al-Amīn.
- Mīrzā'ī, Khalīl. (2014). *Farhang-e Tawṣīfī-e 'Ulūm-e Ijtimā'ī*. Tehran: Fūzhān.
- Mīšbāḥ Yazdī, Muḥammad-Taqī. (2008). *Pand-e Jāvīd*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Mīšbāḥ Yazdī, Muḥammad-Taqī. (2009). *Insān-sāzī dar Qur'ān*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Mīšbāḥ Yazdī, Muḥammad-Taqī. (2012). *Porsish-hā va Pāsokh-hā*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

- Miṣbāḥ Yazdī, Muḥammad-Taqī. (2012). *Rosātarīn Dādkhāhī va Rowshangarī* (Sharḥ-e Khuṭbah al-Fadakiyya). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Miṣbāḥ Yazdī, Muḥammad-Taqī. (2015). *Akhlāq dar Qurʾān*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Miṣbāḥ Yazdī, Muḥammad-Taqī. (2019). *Inqilāb-i Islāmī va Rīshehā-ye Ān*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Moeedfar, Saeed; Darbandi, Alireza. (2006). “Barresī-e raftar va nigārīsh-i jamʿ girāyāneh-e shahrvandān-e Tehrānī.” *Anjoman-i Jāmeʿi-shināsī-i Īrān Journal*. Series 7. No. 3. pp. 34–58.
- Motahhari, Morteza. (1999). *Majmūʿeh Āthār Vol. 18*. (A journey through the lives of the pure Imams (a.s.)). Tehran: Sadra Publications.
- Motahhari, Morteza. (1999). *Majmūʿeh Āthār Vol. 25*. (Volume 2 of the Socio-political Section). Tehran: Sadra Publications.
- Motahhari, Morteza. (2004). *Yāddāsh-t-hā-e Uṣṭād Motahhari*. Tehran: Sadra Publications.
- Motahhari, Morteza. (2010). *Majmūʿeh Āthār Vol. 23*. (Volume 2 of the Ethics and Mysticism Section). Tehran: Sadra Publications.
- Motahhari, Morteza. (2010). *Yāddāsh-t-hā-e Uṣṭād Motahhari Vol. 3*. Tehran: Sadra Publications.
- Motahhari, Morteza. (2011). *Majmūʿeh Āthār. Āshināʿī bā Qurʾān Vol. 26*. Tehran: Sadra Publications.
- Nāʾīnī, Seyyed Muḥammad-Kāzīm. (2014). “Shākhiṣ-hā.” *Nazariyyeh-hā-e Iqtisād-e Mālī Journal*. No. 4. pp. 177–205.
- Navvābakhsh, Mehrdād; Fadavī, Jamīleh. (2008). “Barresī-e abʿād-e sarmāye-e ijtimāʿī va naqsh-e ān dar toseʿ-eh-e shahrī” *Quarterly Journal of ʿUlūm-e Ijtimāʿī*. Series 2. No. 1. pp. 25–47.
- Pahlevānī, Murteza. (2023). “Vākāvī-i Naqsh va Khuṣūsiyyāt-i Raftārī-i Mudīrān-i Dīnī dar Taʿālī-bakhshī-i Akhlāq-i Kārburdī-i Ijtimāʿī az Manzar-i Qurʾān va Ḥadīth.” *Qurʾān va ʿUlūm-i Ijtimāʿī*, 3(2), pp. 110–138. doi: 10.22034/arq.2023.181937
- Rajabī, Maḥmūd. (2011). *Ravesh-i Tafsīr-i Qurʾān*. Qom: Hawzah and University Research Institute.
- Rāsikh, Karamat-Allāh. (2012). *Farhang-i Jāmiʿi-i Jāmiʿeh-shināsī va ʿUlūm-i Insānī*. Jahrom: Islamic Azad University, Jahrom Branch.
- Rezaeī Isfahani, Muḥammad-Ali. (2003). *Darsnāmeḥ-i Raveshhā va Girāyesh-hā-i Tafsīr-i Qurʾān*. Qom: World Center for Islamic Sciences Publications.
- Ritzer, George. (2001). *Nazariyeh-i Jāmiʿeh-shināsī dar Dawrān-i Muʿāshir*. Trans. Muḥsin Thalāthī. Tehran: ʿIlmī Publications.
- Sztompka, Piotr. (2012). *Iʿtimād: Nazariyeh-i Jāmiʿeh-shinākhtī*. Trans. Ghulām-Riḍā Ghafārī. Tehran: Shīrāzeh Publications.
- Ṭabātabāʾī, Sayyid Muḥammad-Ḥusayn. (2011). *Tafsīr al-Mīzān*. Trans. Sayyid Muḥammad-Bāqir Mūsavī Hamadānī. Qom: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī.
- Tājibakhsh, Kiyān. (2005). *Sarmāyeh-yi Ijtimāʿī, Iʿtimād, Demokrāsī va Towseʿeh*. Trans. Afshīn Khākbāz and Ḥasan Pūyān. Tehran: Shīrāzeh.
- Vazīnī Afaal, Mojtaba; Gāʾīnī, Abufāzl; ʿAbdullahī, Muḥammad-ʿAli. (2020). “Rāhkārihā-ye taqvīyat-e sarmāye-e ijtimāʿī az didgāh-e nizām-e arzīshī-e Islām.” *Journal of ʿIlmī-e Mudīriyyat-e Islāmī*. Year 28. No. 3. pp. 141–170.
- Zarei Matin, Hasan; Mudarrīsī, Saʿīd; Mohammadian, Behzad. (2016). *Mudīriyyat-i Sarmāyeh-i Ijtimāʿī*. Tehran: Mihraban Publications.

| Extended Abstract |

Indicators of Social Capital from the Perspective of the Qur'an and Ḥadīth

Esmaeel Cheraghi Kotiani

Research Objective: This study examines and analyzes the characteristics of social capital from the perspective of the Noble Qur'an and its impact on the stability and vitality of Islamic societies. In view of current social conditions—such as the increasing rates of divorce, short-lived marriages, and the rise of crime—this research seeks to identify and elucidate the importance of institutionalizing social capital as a social necessity. Islam, as a comprehensive religion whose programs are structured in harmony with all individual and social human needs, has addressed the issue of social capital in various ethical, legal, and jurisprudential dimensions. In this article, while briefly reviewing sociological approaches to social capital, the Qur'anic and ḥadīth-based perspectives on the indicators of social capital are investigated. The principal aim of the study is to explicate the role of social components in fostering trust and cooperation among members of society from the perspective of the Qur'an and the narrations.

Research Methodology: This research employed a documentary and library-based approach for data collection, and it utilized an ijtihād-oriented exegetical method for analysis. Within this method, by relying on sound evidence and indicators, and by combining rational reflection with adherence to exegetical narrations, the meanings of the Qur'anic verses were discovered and explained. In the course of this study, the researcher, employing reason in conjunction with authentic narrations, the principles of Arabic grammar, the context of the verses, and the occasions of revelation, engaged in a systematic inference of the concepts and purposes of the Qur'anic verses. This approach has enabled a precise and well-substantiated reading of the indicators of social capital in Islamic sources. Accordingly, the verses and narrations pertinent to the subject of social capital were carefully examined, and through qualitative content analysis, the principal indicators were extracted.

Findings: The findings of this study demonstrate that the Qur'an and the Islamic narrations place particular emphasis on the key components of social capital. These components include social trust, religious brotherhood, social cooperation, social solidarity, and social commitment. These indicators are presented as the fundamental pillars of social capital in an Islamic society, and their role in strengthening collective spirit and mitigating social problems is both evident and significant. Taken together, these elements shape a society grounded in religious and moral principles, within which human values reach their highest realization. Furthermore, the application of these components, by fostering stronger relations among members of society, can provide an appropriate foundation for sustainable development, social cohesion, and psychological security.

Conclusion: In light of the positive functions of social capital as reflected in the Qur'anic verses and narrations, the enhancement of social capital based on Qur'anic teachings is indispensable for the stability and vitality of society. Social capital, which encompasses trust, solidarity, participation, and shared norms, serves as a powerful support for reinforcing social cohesion and sustainable development. The path to the creation and promotion of social capital lies in the expansion and strengthening of religious values across all individual and social domains. Therefore, both the members of the Islamic community and the governing authorities must undertake purposeful efforts toward the cultivation of this vital resource. In this regard, the educational role of families, the instructional function of schools and universities, and the formative influence of the media—as central instruments of culture-building—are especially crucial and effective. Among these, the governing authority, by virtue of its power, policymaking capacity, and broad executive instruments, bears an even greater responsibility in strengthening social capital.

Keywords: Social capital; Trust; Social cooperation; Social solidarity; Social commitment